



دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرج

موضوع تحقیق :

تعليق اجرای مجازات

محقق: امير حسن سهرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.HaghGostar.ir

چکیده	۳
تعریف تعلیق اجرای مجازات در لغت نامه ها و فرهنگ های حقوقی	۴
سابقه تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران	۴
تعلیق و یا تأخیر مجازات در اعمال مجازات از دیدگاه نظام قضایی اسلام	۶
بند اول - شرایط تعلیق	۷
بند دوم - آثار تعلیق	۹
بند سوم - وظایف دادگاه و دادستان در تعلیق	۱۰
بند چهارم - مقررات مختلف	۱۰
تعلیق مراقبتی (PROBATION)	۱۱
تفاوت تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با لایحه جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۰:	۱۲
منابع و مأخذ	۱۴

چکیده:

تعليق مجازات يکي از روش‌های قانوني تعديل مجازات مي باشد.

تعليق مجازات يعني دادگاه صادرکننده حکم، اجرای مجازات مذکور در دادنامه را با توجه به شرايطي و برای مدتي معين و به منظور اصلاح و تربيت مجرم به تاخير اندازد.

تعليق به ۲ نوع ساده و مراقبتي تقسيم مي شود. تعليق ساده که متهم تعهدي نمايد در مدت تعليق جرمي انجام ندهد و تعليق مراقبتي که علاوه بر شرايط تعليق ساده بايد دستورات دادگاه را نيز در مدت تعليق انجام دهد.

تعليق حقي برای مجرم نمی باشد بلکه کمک و اغماضي از طرف دادگاه به مجرم برای برگرداندن آن به زندگي عادي در اجتماع مي باشد.

متاسفانه کشور عزیزمان ايران از تعليق به عنوان يکي از نهادهای تخفيف مجازات استفاده مي کند وليکن تعليق يکي از مجازات‌های جایگزین حبس مي باشد.

هدف اصلي تعليق اجرای مجازات کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان و برگرداندن زندانیان غير خطرناک به آغوش گرم خانواده شان مي باشد.

متاسفانه در کشورمان با وجود اينکه از اوایل قرن حاضر ایده تعليق در قوانين جزايي نمود پيدا کرد ليکن علی رغم گذشت هشت دهه از تاريخ تصويب آن هيچ نهاد مناسبی برای نظارت بر حسن اجرای تصميمات دادگاه در تعليق مراقبتي به وجود نيامده است

که اين امر باعث شده که قضات بيشتر به تعليق ساده روی آورند.

به نظرمي رسد که راه حل اين مشکل بومي سازی روش های رايج در ساير کشورها و تاسيس نهادهای لازم در اين زمينه مي باشد.

تعریف تعلیق اجرای مجازات در لغت نامه ها و فرهنگهای حقوقی

در ترمینولوژی حقوق تعلیق را بدین صورت تعریف کرده اند: هرگاه مجرم محکوم، سابقه ارتکاب جرم نداشته باشد، به او اخطار می شود که هرگاه بعداً مرتکب جرم جدیدی نشود حکم فعلی هم تا هنگامی که جرم جدیدی مرتکب نشده به مرحله اجرا در نمی آید وگرنه هر دو مجازات در حق او اجرا خواهد شد. این را تعلیق مجازات گویند که در حقیقت تعلیق اجرای مجازات است. [۱]

تعلیق در فرهنگ های حقوقی فارسی - انگلیسی با این ترجمه آمده است. [۲] [۳]

تعلیق = abeyance/Probate/Suspention. تعلیق مجازات = Suspension of Punishment to grant a respite ، معلق کردن = Suspend ، معلق = Suspender ، تعلیق = Suspension ، در حال تعلیق = Suspend ، در حال تعلیق = Suspensive ، موجب تعلیق = Suspensor ، تعلیق مراقبتی = Probation

سابقه تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران:

تعلیق اجرای مجازات از جمله شیوه های سنتی جایگزین مجازات حبس است که از بدو قانونگذاری در ایران سابقه تاریخی دارد. [۴]

تعلیق اجرای مجازات، اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی مواد ۴۷ تا ۵۰ از نوع تعلیق ساده پیش بینی گردید که این نوع تعلیق در خصوص مجرمین به جرایم جنحه ای بود. [۵]

ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مقرر می داشت «شخصی که به موجب این قانون به واسطه ارتکاب جنحه محکوم به حبس شده است در صورتی که سابقاً به واسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم شده باشد محکمه می تواند نظر به اخلاق و اموال مجرم و دلایل موجه، اجرای مجازات را نسبت به او معلق کند».

متعاقب آن در سال ۱۳۰۷ مقررات تعلیق اجرای مجازات مورد اصلاح قرار گرفت در این قانون موارد مشمول تعلیق به مراتب محدودتر شد. در این قانون دو متغیر عمده نسبت به قانون ۱۳۰۴ مشاهده می شود. اولاً، در این قانون موارد مشمول تعلیق محدود به جنحه هایی گردید که در ماده ۱ قانون سال ۱۳۰۴ تعیین شده بود. ثانیاً دامنه مشمول تعلیق به جزای نقدی نیز گسترده شد. [۶]

سرانجام در سال ۱۳۴۶ قانون «تعلیق اجرای مجازات» در ۱۸ ماده به تصویب رسیده به موجب ماده ۱ این قانون برای محکومیت های حبس تادیبی یا جزای نقدی یا هر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جنایتی باشد (چنانچه

مجازات آن قانونا از حبس مجرد شدیدتر نباشد) دادگاه می تواند با احراز شرایط عینی، اجرای مجازات را برای مدت دو تا پنج سال در ضمن حکم محکومیت معلق کند.

قانون ۱۳۴۶ اجرای برخی احکام جزایی را قابل تعلیق نمی دانست که عبارت بودند از:

۱. احکام حبس بیش از یک سال

۲. مجازات متخلفین از قوانین دارویی و غذایی و آرایشی و بهداشتی

۳. مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن موادمخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء برای مرتکبین اعمال تسهیل وسایل می نمودند

۴. مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا جعل و یا استفاده از سند مجعول محکوم می شدند.

همچنین تعلیق درباره کسانی که مرتکب چند جنحه مهم یا جنایت می شدند و بارعایت تعدد جرم محکوم می گردیدند قابل اجرا نبود.

این قانون در مقایسه با قانون ۱۳۰۷ دامنه شمول آن گسترده تر بود و شامل جرایم جنایی نیز می شد. تفاوت بارز و آشکاری که میان این قانون (قانون مصوب ۱۳۴۶) با قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ وجود دارد این است که مدت محکومیت از حبس ۳ سال به یک سال کاهش یافته است. [۷] در این خصوص برخی حقوقدانان [۸] معتقدند که: «قانونگذاری سال ۱۳۰۴ با فلسفه تعلیق مجازات حبس به مراتب سازگارتر بود. زیرا اگر هدف از تعلیق محکومیت به حبس این باشد که از آثار وخیم اقامت در زندان پیشگیری کرد و محکوم علیه بی پیشینه را از آثار زیان بار معاشرت با زندانیان دیگر مصون نگه داشت تمدید این مدت بی معناست».

متعاقبا تعلیق اجرای مجازات از صورت قانونی خاص خارج شده و در قالب ماده ۴۰ در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ پیش بینی گردید. [۹]

قانونگذار در این قانون در قالب ماده ۴۰، نهاد تعلیق اجرای مجازات را آورده است. اما تفاوت های عمده میان این قانون با قانون ۱۳۴۶ وجود دارد از جمله اینکه، این قانون شامل کلیه محکومیت های تعزیری می شود که شلاق هم از جمله محکومیت های تعزیری به حساب می آید. [۱۰]

تعمیم تعلیق به سایر مجازات های تعزیری ظاهرا نشانه تحول جدیدی بود که در مبانی این تاسیس کیفری رخ داده است. زیرا مساله، دیگر صرفا پرهیز از آثار شوم زندان های کوتاه مدت نبود، بلکه مراد، ارفاق به بزهکارانی بود که برای نخستین بار مرتکب جرم شده اند و تهدید اجرای مجازات در صورت ارتکاب جرم جدید عاملی بازدارنده تلقی می شد. [۱۱]

سرانجام با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ مقررات ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی فسخ گردید و مقررات تعلیق اجرای مجازات در حال حاضر ضمن مواد ۲۵ تا ۳۷ این قانون با رعایت شرایط خاصی پیش بینی شده است که این قانون در مقایسه با قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱، علاوه بر کلیه محکومیت های تعزیری شامل کلیه محکومیت های بازدارنده نیز می شود. [۱۲]

ناگفته نماند که در قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ تعلیق تعقیب کیفری پیش بینی شده بود. در ماده ۲۲ این قانون تعلیق تعقیب کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی بدین شرح مورد توجه و تاکید قانونگذار قرار گرفته بود. «در کلیه اتهامات (از درجه جنحه) هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار کند دادستان (رئیس دادگستری) راسا می تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایطی تعقیب کیفری را معلق سازد که این شرایط عبارت بودند است:

الف) اقرار متهم به ارتکاب جرم: وقتی اقرار متهم برحسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، مرجع قضایی می تواند در جرایم غیر مهم تعقیب کیفری را با احراز شرایطی دیگر معلق سازد.

ب) فقدان سابقه محکومیت کیفری: شرط دوم تعلیق تعقیب کیفری این است که متهم سابقه محکومیت کیفری نداشته باشد.

ج) فقدان شاکی یا مدعی خصوصی: آخرین شرط برای قبول تعقیب کیفری این است که شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را مسترد کرده باشد. [۱۳]

وشایان ذکر است که قانونی درمورد تعلیق مجازات زندانیان به عنوان قانون تعلیق مجازات زندانیان مصوب ۱۳۳۱ وجود دارد.

تعلیق و یا تأخیر مجازات در اعمال مجازات از دیدگاه نظام قضایی اسلام

آیا در اعمال مجازات از دیدگاه نظام قضایی اسلام تعلیق و یا تأخیر مجازات وجود دارد؟

پاسخ:

پس از صدور حکم قطعی محکومیت، اجرای مجازات آغاز می شود، لکن اقتضای سیاست جنایی جرم شناختی آن است که اجرای مجازات در بعضی از موارد معلق شود. بر اساس قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، قاضی می تواند بر اساس مواد ۲۵ تا ۳۶ قانون مجازات اسلامی، تحت شرایطی اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را تعلیق نماید. تعلیق مجازات در قرآن کریم و روایات معصومین: یافت نشده است و نمی شود از آیات قرآن کریم و روایات این مفهوم را استنباط کرد. آن چه در قانون مجازات اسلامی در خصوص تعلیق در جرایم تعزیری ذکر شده، مربوط به تعزیرات در مسایل جدیدی است که مبتلا به جوامع است.

نظام قضایی اسلام بر اساس آن چه از نصوص استفاده می‌شود و سیره معصومان هم بر آن استوار است، تأخیر اجرای مجازات بر شخصی است که زخمی شده یا مریضی است، تا زمانی که سلامت خود را باز یابد. بعد مجازات نسبت به او به مرحله اجرا در می‌آید و یا این که مجازات نسبت به او با مدارا اعمال می‌شود.

مرحوم شیخ طوسی در نهاییه می‌فرماید: "من وجب علیه الجلد و کان علیلاً، ترک حتی یبرأ ثم یقام علیه الحد؛ ۱. نهاییه الاحکام، شیخ طوسی، ص ۷۰۱. اگر کسی که بر او حد شلاق باید جاری شود، مریض باشد، حد بر او جاری نمی‌شود تا این که سلامت خود را بیابد و بعد بر او اقامه حد می‌شود."

وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۲۱ و ۳۲۲، باب ۱۳ از ابواب مقدمات حدود، احادیث ۴ و ۵ و ۷ بر این معنا دلالت می‌کنند. در یکی از این احادیث مذکور، حضرت امیر(ع) می‌فرماید: "شخصی را که واجب الحد است، را حدّ نزید تا زخم‌های بدنش خوب شود" و تعبیر "حتی تبرأ" در روایت ذکر شده است. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۲۱، ح ۴. نتیجه بحث این که تعلیق در اجرای مجازات از مستندات شرعیه قابل فهم نمی‌باشد، ولی تأخیر در اجرای مجازات را می‌توان به روشنی از روایات فهمید.

بنداوّل شرایط تعلیق

باتوجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می‌توان برای تعلیق شرایط زیر را احصاء کرد:

أ. شرط راجع به طبیعت مجازات

ب. شروط راجع به گذشته محکوم

ج. شروط راجع به آینده محکوم

د. شروط راجع به جرایم ارتكابی

الف. شروط راجع به طبیعت مجازات

صدرماده ۲۵ قانون مجازات ۱۳۷۰ اعلام می‌دارد "در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را بار عایت شرایط زیر (شرایط مندرج در مواد ۲۵ تا ۳۶) از ۲ تا ۵ سال معلق نماید"

در قانون مجازات ۱۳۷۰ برخلاف قانون سابق که تمام مجازات قابل تعلیق بود قسمتی از آن رانیز می‌توند تعلیق کند که تعلیق پاره ای از کیفر مطلقاً با منطق تعلیق همسازی و هماهنگی ندارد.

ب. شروط راجع به گذشته محکوم

اوّل - عدم وجود سابقه محکومیت قطعی

طبق بندالف ماده ۲۵ "محکوم علیه نباید سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهای زیر داشته باشد:

۱. محکومیت قطعی به حد
 ۲. محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو
 ۳. محکومیت قطعی به مجازات حبس بیش از یک سال در جرایم عمدی
 ۴. محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال
 ۵. سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی با هم میزان مجازات "
- همانطور که ملاحظه می شود اولاً محکومیت قطعی در این سابقه محسوب می شود نه اجرای مجازات و ثانیاً هر یک از محکومیتها به تنهایی یا با جمع با دیگر محکومیتها می تواند مانع تعلیق باشد.
- دوم - ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه
- مشخص است که موقعیت اجتماعی افراد و سوابق آنها اعم از تحصیلی و شغلی و شخصی برای دادگاهی که می خواهد مجازات محکوم را معّلق نماید قابل بررسی و دقت است.
- سوم - اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است
- با توجه به موقعیت اجتماعی افراد و سوابق ایشان باید به اوضاع و احوالی که در آن شرایط بزهکار به ارتکاب جرم شده است توجه شود.
- چهارم - تعدد جرایم محکوم
- تعلیق درباره کسانی که بار عایت تعدد جرم در ارتکاب چند جرم عمدی محکوم شده باشند قابل اجرا نیست.
- ج - شروط راجع به آینده محکوم
- محکوم علیه باید متعهد شود که زندگی شرافتمندانه ای را در پیش گیرد و از دستورهای دادگاه تبعیت کند. که این دستور یا دستورهای عبارتند از:

۱. مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود
۲. خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین
۳. اشتغال به تحصیل در یک موسسه فرهنگی
۴. خودداری از تظاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد
۵. خودداری از رفت و آمد به محل های معین

۶. معرفی خود در مدهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند.

این دستورات جنبه حصری دارند و دادگاه حق دارد یک یا چند دستور صادر نماید یا حتی در این زمینه دستوری ندهد اما به هر حال هر چند دستور دادگاه اختیاری است ولی اجرای آن از ناحیه محکوم علیه اجباری می باشد.

د- شروط راجع به جرایم ارتكابی

مقنن ۱۳۷۰ اجرای برخی جرایم را قابل تعلیق نمی داند که عبارت است از:

۱. مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند.

۲. مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حدّ نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند.

۳. مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حدّ معاونت می نمایند.

علاوه بر اینها در حالت تعدد در زمینه جرایم ارتكابی و مشروط بر عمدی بودن جرایم نیز تعلیق جاری نمی شود.

بند دوم - آثار تعلیق

الف - تاثیر تعلیق از جهت حقوق مدعیان خصوصی

تعلیق اجرای مجازات که با حقوق الناس همراه است تاثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد با پرداخت خسارت به مدّعی خصوصی اجرا خواهد شد. که در اینجا به نظرمی رسد منظور قانونگذار تقدم پرداخت خسارت در حق الناس بوده نه عدم قبول تعلیق.

ب - تاثیر تعلیق از جهت مدّت

مدت تعلیق ۲ تا ۵ سال بر اساس قانون مجازات ۱۳۷۰ می باشد پرسشی که مطرح است این است که آیا دادگاه می تواند پس از صدور حکم تعلیق در مدت آن تغییر دهد پاسخ مثبت است در هر حال تغییر مدت باید در فاصله زمانی ۲ تا ۵ سال باشد.

ج - تاثیر تعلیق از جهت شخص محکوم

هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدت تعلیق مرتکب جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از شناسنامه کیفری مرتکب زدوده می شود.

اما برعکس اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدت تعلیق مرتکب جرم جدید گردد قرار تعلیق لغومی شود و در اینجا جاسیستم جمع مجازاتها رعایت می گردد.

بند سوم - وظایف دادگاه و دادستان در تعلیق

الف - وظایف دادگاه

دادگاه پس از احراز شرایط تعلیق ضمن حکم محکومیت قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر خواهد کرد که باید جهات و موجبات تعلیق و دستورهای راکه محکوم علیه باید در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق رانیز بین ۲ تا ۵ سال معین می کند و ضمناً آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه در حکم صریحاً قید و به محکوم علیه اعلام می شود.

اما در صورتی که محکوم علیه فقط دستورات دادگاه را اجرا نکند و از آن سرپیچی نماید و عذر موجهی ارائه ندهد بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه می شود و برای بار دوم قرار تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذارده خواهد شد افزایش مدت ممکن است موجب آن شود که از حداکثر ۵ سال مذکور در قانون تجاوز نماید به اعتقاد ما اشکالی با توجه به منطق تعلیق ایجاد نخواهد شد.

ب - وظایف دادستان

اگر بعد از صدور قرار تعلیق محرز شود محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرایم مستوجب محکومیت در ماده ۲۵ بوده دادستان باید به استناد سابقه محکومیت مکلف به تقاضای لغو تعلیق از دادگاه خواهد بود و دادگاه پس از احراز سابقه قرار تعلیق راملغی خواهد کرد و چنانچه اگر احکام قطعی متعددی دال بر جرایم عمدی از سوی دادگاههای جزایی درباره یک نفر صادر شود که محکومیت معلق نیز در بین آنها وجود داشته باشد دادستان مجری حکم وظیفه دارد فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد.

بند چهارم - مقررات مختلف

- ا. در صورتی که مجرم حین صدور تعلیق بازداشت باشد و مجازات حبس او تماماً معلق شود فوراً به دستور دادگاه آزادی گردد.
- ب. چنانچه دادگاه قسمتی از مجازات را مورد حکم قرار دهد و نسبت به قسمت دیگر قرار تعلیق صادر نماید محکوم علیه ابتدا باید مجازات را تحمل نماید و بعد از تعلیق استفاده نماید.
- ج. در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست.
- د. تعلیق در مجازات تتمیمی و تکمیلی نیز امکان دارد ولی تعلیق در اقدامات تأمینی و تربیتی امکان ندارد چون این اقدامات به نفع متهم می باشد و مجازات تبعی به تنهایی قابل تعلیق نیستند.
- ه. تعلیق اجرای حکم از مصادیق تخفیف نیست و دادگاه نمی تواند به عنوان تخفیف اجرای حکم را معلق نماید.
- و. محکومیت به شلاق در جرایم تعزیری و بازدارنده قابل تعلیق است.

- ز. اگر حبس توام با جزای نقدی باشد حبس مزبور قابل تعلیق و حتی قابل تبدیل به جزای نقدی می باشد.
- ح. انفصال شامل تعلیق نمی گردد مگر اینکه در قانون یا حکم دادگاه صریحاً قید شده باشد.
- ط. استفاده از تخفیف و همچنین تعلیق قسمتی از اجرای مجازات در یک جرم بلاشکال است.
- ی. حبس بدل از جزای نقدی قابل تعلیق نیست.
- ک. شعب سازمان تعزیرات حکومتی دادگاه نمی باشد و اختیار تعلیق اجرای مجازات را ندارد.
- ل. مجازات صدور چک از حساب مسدود هم غیر قابل تعلیق می باشد ر.ک. تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور.

تعلیق مراقبتی (Probation)

تعریف تعلیق مراقبتی

تعلیق مراقبتی یکی از مهمترین نهادهای جانشین مجازات زندان است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان است. [۱۴]

این تاسیس حقوقی عبارتست از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر در زندان، در مدت معینی به منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی. [۱۵]

در تعلیق مراقبتی محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می گردد که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است. به علاوه جامعه نیز از عمل بزهکاران تعلیقی معاف می گردد و در مقابل با موجبات حبس بزهکاران حرفه ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزهکاران مصون می ماند. [۱۶] از Probation تعریف روشنی در نظام یا نظام های مختلف کیفری ارائه نشده است ولی زمانی می توان Probation یا تعلیق مراقبتی را به نهادی اطلاق کرد که متضمن ویژگی های زیر باشد:

داشتن سازمان مستقل در چارچوب یک نظام کیفری، قضایی بودن ماهیت وظایف آن، اقتدار قانونی، اعمال سرپرستی و نظارت بر مجرم و بالاخره آماده سازی مجرم به منظور بازگشت به جامعه و تطبیق با آن. [۱۷]

از تعلیق مراقبتی تعریف کاملاً دقیقی ارائه گردیده است ولی این تعریف شاید جامع همه نظام های دنیا نباشد، چنانکه با نظام های جهان توسعه یافته ناهمگون است: تعلیق مراقبتی، یک روش مجازات با مبانی جامعه شناختی - تربیتی است که با ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می گردد. این روش در نظام آزاد، در مورد مجرمینی اعمال می گردد که انتخاب آنها برحسب شخصیت جرم شناختی و جرم پذیری آنها بوده است. این افراد در ارتباط با نظامی قرار می گیرند که هدفش فراهم آوردن فرصت اصلاح برای مجرم و رهیافتی برای زندگی او در جامعه، و یافتن جایگاهش در محیط اجتماعی است، بدون آنکه خطر تجاوز مجدد به هنجارهای جزایی وجود داشته باشد. [۱۸]

همچنین سازمان ملل در تعریفی که حدود نیم قرن پیش ارائه داده است می گوید: تعلیق مراقبتی، روش برخورد با مجرمینی است که به نحو خاصی انتخاب می شوند و عبارتست از معلق کردن مشروط مجازات مجرم، در طول مدت زمانی که تحت نظارت شخصی قرار می گیرد و به صورت فردی ارشاد یا درمان می شود. [۱۹]

تفاوت های تعلیق اجرای مجازات در ق.م.ا. ۱۳۷۰ بالایحه جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۰:

(۱) درق.م.ا. ۱۳۷۰ تعلیق درجرایم تعزیری و بازدارنده قابل اعمال بود ولی در لایحه جدید مجازات اسلامی درجرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ قابل اعمال است.

(۲) مدت تعلیق درق.م.ا. ۱۳۷۰ دو تا پنج سال است ولی در لایحه یک تا پنج سال می باشد.

(۳) در لایحه آمده دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم ازمجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعلیق کنن که این امر فقط در لایحه ذکر شده و در قانون مجازات ۱۳۷۰ سابقه ندارد.

(۴) در لایحه آمده محکوم علیه پس از اجرای یک سوم ازمجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی می تواند از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق اجرای مجازات را نماید که این امر نیز در لایحه ذکر شده و در قانون مجازات ۱۳۷۰ سابقه ندارد.

(۵) محکومیت های قابل تعلیق در قانون مجازات ۱۳۷۰ سه مورد می باشد ولی در لایحه شش مورد است که سه مورد به آن اضافه شده است.

(۶) در قانون مجازات ۱۳۷۰ تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر می شود ولی در لایحه آمده تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت و یا پس از آن صادر می شود.

(۷) در قانون مجازات ۱۳۷۰ آمده اگر مجرم دستورات دادگاه را بدون عذر موجه رعایت نکند برای بار اول یک تا دو سال به درخواست دادستان به دادگاه صادرکننده حکم به مدت تعلیق او اضافه می شود ولی در لایحه آمده می تواند به درخواست دادستان و قاضی اجرای مجازات ها برای بار اول اگر مجرم دستورات دادگاه را بدون

عذر موجه رعایت نکند یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه و یا قرار تعلیق را لغو نماید که این امر در قانون مجازات ۱۳۷۰ پیش بینی نشده بود.

۸) در قانون مجازات ۱۳۷۰ ذکر شده اگر مجرم دستورات دادگاه را رعایت نکند به پیشنهاد دادستان به دادگاه صادر کننده حکم و ولی در لایحه آمده به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای حکم که قاضی اجرای حکم را قانونگذار در این مورد اضافه کرده است.

۹) در قانون مجازات ۱۳۷۰ آمده اگر در زمان تعلیق مرتکب محکومیت های قطعی به حدود، قطع یا نقص عضو، حبس بیش از یک سال، جزای نقدی بیش از ۲ میلیون ریال و سابقه محکومیت قطعی ۲ بار یا بیشتر به علت جرائم عمدی با هم میزبان مجازات ولی در لایحه آمده در مدت تعلیق مرتکب جرایم عمدی حدود، قصاص، دیه و تعزیری تا درجه ۷ شود محکومیت قطعی بی اثر می شود.

۱۰) در قانون مجازات ۱۳۷۰ آمده بود هرگاه محکوم به حبس در حال تحمل کیفر قبل از اتمام مدت حبس مبتلاء به جنون شود محکوم علیه با استعلام پزشک قانونی در صورت تایید جنون به بیمارستان روانی منتقل شده و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محاسبه می شود که این امر در لایحه حذف شده است و قانونگذار آن را به کار نبرده است.

منابع و مآخذ

- [۱]. آقای نیا، حسین، تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۶
- [۲]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق
- [۳]. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶، انتشارات فردوسی
- [۴]. دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.
- [۵]. میر محمد صادقی، حسین، واژه نامه حقوق اسلامی، فارسی - انگلیسی.
- [۶]. حاجی تبار فیروزجایی، منبع پیشین، صفحه ۱۰۹.
- [۷]. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، صفحه ۳۵۸.
- [۸]. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، صفحه ۱۱۰.
- [۹]. دکتر گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، صفحه ۳۵۸.
- [۱۰]. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، منبع پیشین، صفحه ۱۱۱.
- [۱۱]. دکتر اردبیلی، محمد علی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، منبع پیشین، صفحه ۲۹۴.
- [۱۲]. دکتر گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، صفحه ۳۵۸.
- [۱۳]. دکتر گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، صفحه ۳۵۸.
- [۱۴]. کواشی هامایی، رنوویه، روبرت هاریس و....، منبع پیشین، صفحه ۱۱.
- [۱۵]. دکتر ولیدی، محمد صالح، منبع پیشین، صفحه ۱۰.
- [۱۶]. دکتر گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، صفحه ۳۶۰.
- [۱۷]. کواشی هامایی، رنوویه، روبرت هاریس و....، منبع پیشین، صفحه ۱۱.
- [۱۸]. (Cartledge et al. 1981: 22)، به نقل از حسین آقای نیا، منبع پیشین، صص ۱۴ و ۱۵.
- [۱۹]. کواشی هامایی، رنوو، روبرت هاریس و....، منبع پیشین، صفحه ۱۵.